



## اصول و روش های آموزش مفاهیم دینی به کودکان (1)

پدیدآورده (ها) : مقدسی پور، علی

ادیان، مذاهب و عرفان :: معرفت :: اسفند 1382 - شماره 75

از 36 تا 44

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/21425>

دانلود شده توسط : کافی نت تخصصی نور

تاریخ دانلود : 23/05/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)



علی مقدسی برون

# اصول و روش های آموزش مفاهیم دینی به کودکان (۱)

روایات اسلامی، نظرات دانشمندان تعلیم و تربیت و نیز اندیشمندان اسلامی است.

## مفهوم شناسی واژه های کلیدی اصول

اصول جمع اصل، واژه ای است عربی به معنای بیخ، بنیاد، ریشه، پایه و بن هر چیزی (۶). در اصطلاح، برای اصول تعاریف متعددی شده است. برخی از نویسندگان معتقدند که اصول تعلیم و تربیت عبارت است از نظریه ها و قواعد نسبتاً کلی که در بیش تر موارد صادق است و باید راهنمای مربیان، معلمان، مدیران، اولیای فرهنگ و والدین دانش آموزان در کلیه اعمال تربیتی باشد (۷). و از نگاه بعضی دیگر، اصول به دستورالعمل های کلی گفته می شود که بر مبنای مبتنی اند (۸) و مقصود از اصول در این بحث عبارت است از قواعد و دستورالعمل های کلی مبتنی بر تعالیم دینی، پژوهش های روان شناسی و نظریات دانشمندان تعلیم و تربیت.

## روش

روش در کتاب های فارسی معانی گوناگونی دارد نظیر: طرز، طریقه، شیوه، اسلوب، سبک و راه (۹). در عربی نیز معادل با کلمات «المنهج» و «المنهاج» و یا «الطریق الواضح» (راه روشن) آمده است (۱۰). روش در اصطلاح به معنای «راه انجام

مسلم است، شناخت اصول و روش های مربوط به آموزش مفاهیم دینی کودکان دبستانی نیز ضرورت دارد بدین ترتیب، اگر آموزش مفاهیم دینی کودکان بدون توجه به اصول و روش های صحیح آموزش انجام پذیرد مصداق این سخن امام صادق علیه السلام خواهد بود که: «أَلْعَابِلُ عَلٰی غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالشَّابِّ عَلٰی غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةً الشَّيْرَ إِلَّا يُعَدِّدُهُ» (۴) کسی که بدون بصیرت دست به انجام کاری می زند، مانند رونده در بیراهه ای است که هرچه سرعتش بیش تر باشد، از مقصد دورتر خواهد شد.

بنابراین، آنچه باید بدان توجه داشت و این نوشته نیز در پی آن می باشد، این است که درک و برداشت کودک از مفاهیم دینی با بزرگسالان یکسان نیست؛ آنان در حد ظرفیت ذهنی خود مطالب دینی را می فهمند و برآن اساس، جهان بینی خود را می سازند. با توجه به سخن رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که فرمود: «ما پیامبران موفقیهم با هرکس مطابق درک و فهم او صحبت کنیم»، (۵) اگر آموزش مفاهیم دینی برای دانش آموزان دوره ابتدایی به گونه ای حساب شده صورت نگیرد، نه تنها از تأثیرات سازنده ای برخوردار نمی گردند، بلکه می توانند پیامدهای زیانباری به دنبال داشته باشد. از این رو، هدف اصلی این مقاله دستیابی به اصول و روش های آموزش مفاهیم دینی به کودکان با مروری بر آیات و

## مقدمه

در رابطه با چگونگی آموزش مفاهیم دینی به کودکان اختلاف نظرهایی وجود دارد. گروهی معتقدند پیش از بلوغ نباید به کودک آموزش دینی داد و گروهی عکس این نظر را معتقدند. از نظر اسلام، به ویژه پسراساس سیره و رهنمودهای معصومان علیهم السلام، آموزش مفاهیم دینی از هنگام تولد شروع می شود و آموزش در دوره کودکی پایه و اساس در دوره های دیگر است (۱). از طرفی، آموزش صحیح و مؤثر بدون در نظر گرفتن توانایی ذهنی کودک مطلوب نیست و ممکن است کودک را نسبت به یادگیری دلسرد و یا در یادگیری او اختلال ایجاد نماید. از این رو، آموزش مفاهیم دینی به کودکان گرچه امری بسیار مقدس و والا است، اما موفقیت در آن، در گرو آگاهی و شناخت اصول و روش های آموزشی متناسب با آن است. به فرموده امام امیرالمؤمنین علیه السلام هیچ حرکتی نیست مگر این که انسان در به انجام رساندن آن نیاز به شناخت و آگاهی دارد «ما من حركة إلا وانت محتاج فيها الى معرفة» (۳)

آموزش مفاهیم دینی نیز مانند هر علم دیگری نیاز به شناسایی و به کارگیری اصول و روش های صحیح، کارآمد و مؤثر دارد. بنابراین، همان گونه که شناخت خصوصیات و توانایی های کودکان در بهینه سازی آموزش مفاهیم دینی امری

هرکاری» است. از این رو، روش تدریس نیز عبارت از راه منظم، با قاعده و منطقی برای ارائه درس می‌باشد. (۱۱) مقصود از روش در این بحث عبارت است از سازوکارها و شیوه‌های ایجاد یا دگرگون‌سازی رفتار و ویژگی‌های کودک که در مقایسه با اصول مشخص تر و کاربردی تر است.

### آموزش

آموزش در کتاب‌های لغت فارسی به معنی یاد دادن، تعلیم و آموختن تعریف شده است. (۱۲) در اصطلاح، برای آموزش تعریف‌های متعددی شده است. راغب در مفردات می‌نویسد: «التَّعْلِيمُ اخْتِصُّ يَمَا يَكُونُ بِتَكَرُّرٍ وَ تَكْتِيرٍ حَتَّى يَخْضُلَ مِنْهُ أَثَرُ فِى نَفْسِ الْمُتَعَلِّمِ» (۱۳) آموزش آن است که با تمرین و تکرار زیاد، از آن اثری در ذهن و نفس دانش آموز پدید می‌آید.

از نگاه برخی، «آموزش به معنای انتقال معلومات و مهارت‌ها به دیگران است، به طوری که این معلومات و مهارت‌ها به کار آیند و موجب تحول و دگرگونی در رفتار شوند.» (۱۴) و از نگاه برخی دیگر، «آموزش براین دلالت دارد که کسی (معلم یا مربی) کاری کند تا دیگری امری را واجد شود؛ به این معنی آموزش برای آن است که دانش آموز واجد علم و آگاهی گردد.» (۱۵) مؤلف محترم کتاب روان‌شناسی پرورشی در تعریف آموزش می‌نویسد: «آموزش عبارت است از فعالیت‌هایی که به منظور ایجاد یادگیری در یادگیرنده، از جانب آموزگار یا معلم طرح‌ریزی می‌شود و بین آموزگار و یک یا چند یادگیرنده به صورت کنش متقابل جریان می‌یابد.» (۱۶) بنابراین، آموزش به عنوان وسیله و زمینه‌ساز پرورش است که بیش تر در بعد شناختی و ذهنی مطرح می‌باشد.

### مفاهیم دینی

مقصود از دین در این پژوهش، دین اسلام است نه مطلق دین و نه هرگونه معرفتی که

منشأ الهی و شهودی دارد. بر این اساس، محتوای دین اسلام به سه بخش تقسیم می‌شود: اعتقادات، اخلاق و احکام (قوانین). منظور از آموزش مفاهیم دینی همان مفاهیم اعتقادی دین اسلام است؛ زیرا مفاهیم اعتقادی - که بنابر عقیده تشییع عبارت است از توحید، عدل، معاد، نبوت و امامت - در حقیقت، پایه و اساس معارف اسلامی را تشکیل می‌دهند؛ آموزش آن‌ها به کودکان دبستانی - که در ادبیات روان‌شناختی ژان پیاژه در مرحله عملیات عینی قرار دارند - از آموزش سایر معارف اسلامی مشکل تر به نظر می‌رسد. از این رو، ضروری است که در این پژوهش، توجه بیشتر تر خود را به شناسایی اصول و روش‌های مناسب در آموزش مفاهیم اعتقادی به کودکان اختصاص دهیم.

### ویژگی‌های کودکان دبستانی

شناخت صحیح استعدادها، توانایی‌ها، کاستی‌ها، نیازها و نیروهای جسمانی و روانی کودکان در مراحل مختلف سنی از عوامل بسیار مهم و کارساز امر آموزش و پرورش به شمار می‌آید. نخستین ویژگی کودکان دبستانی این است که نوآموز سال اول دبستان از هر حیث با نوجوان دبیرستانی تفاوت دارد. بر این اساس، در این پژوهش به بررسی و شناسایی بخش‌هایی از توانش‌های شناختی کودکان دبستانی خواهیم پرداخت که ارتباط بیش تری با آموزش پذیری مفاهیم دینی این دوره دارد.

کودک در این دوره وارد مرحله جدیدی از رشد عقلی (ذهنی) می‌شود که پیاژه آن را مرحله «عملیات عینی» نامیده است. «این دوره، به این دلیل عملیات عینی خوانده می‌شود که با وجود رشد استعدادهای ذهنی و عقلی در کودک، هنوز عملیات ذهنی وابستگی به جهان خارج دارد و حل مسائل در گرو ارتباط مستقیم و عینی است.» (۱۷) به اعتقاد پیاژه، کودکان در این دوره از نظر

احساسات و عواطف بیش تر به بزرگسالان شباهت دارند، ولی در تفکراتشان با آنان بسیار متفاوت هستند. در این دوره هرچند از سرعت رشد بدنی کاسته می‌شود، اما رشد عقلی همچنان به سرعت دوره قبلی (در جهت آشنایی با مفاهیم گوناگون) ادامه می‌یابد، حتی اندیشه و استدلال پیشرفت بیش تری دارد. آشنایی کودک با مفاهیم نگهداری ذهنی، از جمله نشانه‌های روشن رشد عقلی کودک در این دوره می‌باشد. منظور از نگهداری ذهنی این است که اگر ظاهر اشیای خارجی (از جهات مختلف) تغییر کند، وضع آن‌ها در ذهن کودک ثابت می‌ماند و او چنین تشخیص می‌دهد که این اشیای به ظاهر تغییر کرده، همان اشیای سابق هستند و فرقی نکرده‌اند.

موریس دبس نیز درباره رشد و تحول عقلی کودک دوره ابتدایی می‌گوید: «در این دوره، فکر هیأت جدیدی به خود می‌گیرد. فکر مرکب از مناسبات، جانشین فکر در هم آمیخته دوره پیشین می‌گردد و کودک به مدد آن از جهان خارجی تعبیری می‌کند که به علم ما درباره جهان بسیار نزدیک تر است... بر اثر رشد و اثرگذاری‌های محیط تربیتی، فکر کودک حول چند مفهوم اساسی، یعنی مفهوم زمان، مکان، عدد، علت، حرکت و نظایر آن که معلومات محسوس را متحد می‌سازند، سازمان می‌یابد.» (۱۸)

یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌ها که می‌تواند در آموزش مفاهیم دینی به ما کمک کند وجود گرایش دینی و میل به سوی امور مذهبی در کودک است. ما معتقدیم، مفاهیم اساسی دین اسلام، از قبیل اعتقاد به خدا و دین، امری هستند که با سرشت اولیه و دست نخورده کودک، و به تعبیر قرآنی، با فطرت او سازگار است. علاقه‌مندی کودک به دین و خدا اکتسابی نیست، بلکه این علاقه در درون او وجود دارد و در سنین پس از بلوغ به شکوفایی آشکار می‌رسد. کودک فطرتی خدا آشنا



دارد، تعلیم و تربیت در اصل عهده‌دار رشد و شکوفایی و تقویت این گرایش‌های فطرتی است و معلم پرورش‌دهنده آن‌هاست. در این زمینه، به فرمایش پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اشاره می‌نماییم که فرمود: «کل مولود یولد علی الفطرة حتی یكون ابواه یهودانه و ی نصرانه»؛ (۱۹) هر نوزادی با فطرت خدایی به دنیا می‌آید و این پدر و مادر او هستند که او را از مسیر فطرت سلیم خود منحرف ساخته، یهودی یا نصرانی می‌سازند.

### اصول آموزش مفاهیم دینی به کودکان

همان‌گونه که در بخش مفهوم‌شناسی گذشت، اصول عبارت است از قواعد و دستورالعمل‌های کلی مبتنی بر تعالیم دینی، پژوهش‌های روان‌شناسی و نظریات دانشمندان تعلیم و تربیت، که به منزله راهنمای عمل، در آموزش مفاهیم دینی به کودکان مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنابراین، در این پژوهش، به بررسی این اصول می‌پردازیم.

#### اصل سهولت

منظور از اصل سهولت این است که در آموزش مفاهیم دینی به کودکان، باید توان شناختی، عاطفی و انگیزشی کودکان را در

نظر گرفت و از زیاده‌روی، خشونت و سخت‌گیری در روند آموزشی پرهیز نمود؛ زیرا هدف از آموزش مفاهیم دینی، برانگیختن شوق و رغبت کودکان به یادگیری آموزه‌های دینی است و نه صرفاً انتقال آگاهی‌های دینی. از این‌رو، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همواره این سخن را تکرار نموده‌اند که «آموزش دهید و آسان بگیرید و سخت‌گیری نکنید»؛ (۲۰) چرا که «خداوند مرا سخت‌گیر و سرسخت مبعوث نفرمود، بلکه مرا آموزگاری آسان‌گیر مبعوث نموده است.» (۲۱) شهید مطهری نیز نقل می‌کند: «پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن‌گاه که معاذ بن جبل را برای تبلیغ دین به یمن فرستاد، به او چنین فرمود: «یا معاذُ بَشِّرْ و لا تُنْفِرْ و یَسِّرْ و لا تُعَسِّرْ»؛ می‌روی برای تبلیغ اسلام، اساس کارت تبشیر و مزده و ترغیب باشد، کاری بکن که مردم مزایای اسلام را درک بکنند و از روی میل و رغبت به اسلام گرایش پیدا کنند. نکته‌ای که پیغمبر اشاره کرد این بود که «بَشِّرْ و لا تُنْفِرْ»؛ کاری نکن که مردم را از اسلام فرار بدهی و متفرق بکنی. مطالب را طوری تقریر نکن که عکس‌العمل روحی مردم فرار از اسلام باشد.» (۲۲)

حال با توجه به اصل آسان‌گیری در آموزش‌های اسلامی، رعایت این اصل در آموزش مفاهیم دینی به کودکان از اهمیت بیش‌تری برخوردار است؛ زیرا بنا بر آنچه در بررسی ویژگی‌های کودکان بیان شد، مفاهیم دینی اموری هستند که با فطرت کودک سازگارند و نیازی به تحمیل و سخت‌گیری ندارند، سخت‌گیری زمانی است که آموزه‌هایی خلاف خواست فطری کودک به گونه‌ای برای او ترسیم و تکرار شود که آن را بدون فکر و اندیشه بپذیرد. علاوه بر این، مفاهیم و آموزه‌های دینی سهل و آسان، زمینه‌های درونی و انگیزشی لازم را برای کودک فراهم نموده، او را به یادگیری مفاهیم و حقایق دینی علاقه‌مند می‌سازد. چنان‌که خشونت و سخت‌گیری در امر آموزش مفاهیم دینی، کودک را نسبت

به اصل دین و تعالیم حیات‌بخش آن بدبین نموده، آثار و پی‌آمدهای ناگواری در روحیه لطیف او باقی خواهد گذاشت. بنابراین، رعایت این اصل در آموزش مفاهیم دینی کودک چنان مهم است که ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام در سخنان نورانی خویش والدین را بدان سفارش نموده‌اند. بنا بر مضمون روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام به نقل از رسول مکرّم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، «والدین کاری را که انجام آن برای کودک آسان و ساده است بپذیرند و آنچه را که انجامش بر وی سنگین و غیر قابل تحمل است از او انتظار نداشته باشند.» (۲۳)

### اصل تدریج

اصل تدریج و رعایت توان و استعداد دانش‌آموز از دیگر اصول تعلیم و تربیت است. انسان از زمان تولد تا سنین بزرگسالی توانایی‌های جسمی، ذهنی و عاطفی یکسانی ندارد و در هر دوره از رشد با خصوصیات ویژه آن دوره ظاهر می‌شود.

قرآن کریم در طول ۲۳ سال به تدریج بر پیامبر نازل گردید که خداوند در کریمه ۱۰۶ از سوره «اسراء» به این نکته اشاره می‌فرماید: «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا»؛ و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی؛ و آن را به تدریج نازل کردیم.

مفسران در بیان علل نزول تدریجی آیات قرآن مطالب فراوانی نوشته‌اند که بررسی همه آن‌ها از حوصله این مقاله بیرون است و در این‌جا تنها به دیدگاه علامه طباطبائی اشاره می‌کنیم. به عقیده ایشان، نزول آیات قرآن به تدریج به خاطر بلوغ و رشد استعداد مردم در تلقی معارف اعتقادی و احکام فرعی و عملی آن است. (۲۴)

خلاصه آن‌که، قرآن با در نظر داشتن سطح درک و فهم مردم، به مرور احکام اسلام را بیان فرموده، به گونه‌ای که فهم و

پذیرش آن برای آنان ممکن باشد. بنابراین، آموزش مفاهیم دینی به کودکان باید تدریجی باشد و آنان را به تدریج و آرام آرام با مفاهیم دینی آشنا نمود. در تعالیم اسلامی توصیه‌هایی در این زمینه وجود دارد که ما تنها به ذکر یک روایت اکتفا نموده و نتیجه‌گیری می‌کنیم.

امام باقر یا امام صادق علیه السلام در حدیث مفصّی آموزش مفاهیم دینی کودکان را در سنین مختلف بیان فرموده است: «در سه سالگی کمنه توحید "لااله الاالله" را به کودک بیاموزید، سپس او را رها کنید تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد، آن‌گاه "محمد رسول الله" را به او یاد بدهید، سپس تا چهار سالگی او را رها سازید و در چهار سالگی صلوات بر محمد را به او بیاموزید...» (۲۵)

بر این اساس، دانشمندان تعلیم و تربیت - با توجه به توانایی‌های ویژه دوران کودکی - در آموختن مفاهیم و معارف، رعایت اصل تدریج را مسأله مهمی تلقی نموده‌اند که غفت از آن نتایج جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد. در این مجال به آراء تنی چند از آنان اشاره می‌کنیم.

به نظر پستالوزی (J. H. Pestalozzi ۱۸۲۷-۱۷۴۶)، مربی بزرگ تعلیم و تربیت سوییسی، آموزش کودک باید بر اساس مراحل رشد طبیعی آدمی صورت گیرد. بر همین اساس، دست یافتن کودک به مرحله بعدی را، آن‌گاه برای او ممکن می‌داند که مرحله نخست را پیموده باشد. وی - با توجه به اصل تدریج در آموزش - سرعت و شتابزدگی را زیان آور دانسته، می‌گوید: «طبیعت، شایستگی‌های برتر آدمی را همانند گوه‌ری که در صدف پنهان است، در او پنهان کرده است. اگر صدف را پیش از وقت بشکنید، گوه‌ری ناقص خواهید یافت.» (۲۶) غزالی در کتاب میزان العمل می‌نویسد: «یکی دیگر از وظایف معلم این است که به قدر فهم

فراگیر سخن گوید و یکباره در تربیت نخست، آنان را از امور آشکار به موارد دقیق، و از ظاهر و علنی به پنهان و خفی منتقل نکند...» (۲۷)

بنابراین، آموزش مفاهیم دینی دارای مراحل و درجات است و این مراحل و درجات به دلیل تفاوت در رشد استعدادها، شناختی، عاطفی، انگیزشی و نیز تفاوت در معلومات و تجربیات دانش‌آموزان است، به گونه‌ای که نمی‌توان هر مطلبی را در هر مرحله‌ای آموزش داد، بلکه مطالب باید متناسب با سطح فکر و قدرت درک دانش‌آموزان باشد. به عنوان مثال، آموزه‌های وجود خداوند، توحید، معاد و مانند آن‌ها در دوره ابتدایی نمی‌تواند در قالب استدلال‌های پیچیده عقلانی و مفاهیم انتزاعی آموزش داده شوند، بلکه باید با زبانی ساده، جذاب و آسان بیان گردند؛ و مفاهیم انتزاعی، براهین فلسفی و منطقی را به دوره‌هایی موکول کرد که استعداد لازم بسرای فهم آن‌ها در دانش‌آموزان پدید آمده باشد.

### اصل مداومت و استمرار

در مکتب اسلام، آموزش امری است مداوم و مستمر، و مسلمان همیشه باید در وادی آموزش و فراگیری باشد، همان‌گونه که در حدیث آمده است: «أَطْبِ الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ.»

چنین گفت پیغمبر راستگوی

زگهواره تا گور دانش بجوی  
کسب علم و فراگیری امر دایمی تلقی  
شده است و تحصیل علم از نظر اسلام  
زمان معین و مشخصی ندارد، چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمودند: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ» (۲۸) و حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «لَا يَحْزِرُ الْعِلْمَ إِلَّا مَنْ يُطِيلُ دَرْسَهُ» (۲۹) بر دانش و معرفت دست نیابد، مگر کسی که در تحصیل خویش مداومت نماید؛ زیرا که به فرموده آن حضرت، دانش و معرفت پایان نمی‌پذیرد. (۳۰)

بنابراین، همان‌گونه که گذشت، از نظر اسلام، آموزش مفاهیم و حقایق دینی امری است که باید تا پایان عمر استمرار یابد و آدمی تحت تأثیر آن باشد، لکن دوران کودکی و نوجوانی را می‌توان دوران ملازمت و مداومت آموزه‌های دینی از نظر اسلام دانست که باید والدین و مربیان بر این امر نظارت داشته و هدایت نمایند. در این باره تنها به ذکر یک روایت از امام صادق علیه السلام بسنده می‌کنیم که فرمود: «الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ» (۳۱)؛ کودک به مدت هفت سال باید بازی کند و به مدت هفت سال باید آموزش خواندن ببیند و به مدت هفت سال باید تعلیم حلال و حرام داده شود.»

بنابراین، از روایات اسلامی استفاده می‌شود که آموزش مفاهیم دینی در دوران کودکی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، چنانچه آموزه‌های دینی در این دوران انجام نپذیرد، به آموزش در بزرگسالی نمی‌توان امید چندانی داشت. به عبارتی، اهمیت آموزش آموزه‌های دینی به کودک از سویی و طولانی بودن دوره ساختار ذهنی و روانی کودکی انسان از سوی دیگر، استمرار و مداومت در آموزش مفاهیم دینی به کودک را می‌طلبد. از این رو، باید به موازات رشد عقلی و تحول روانی کودک، مفاهیم اعتقادی را به کودک انتقال داد و از شتاب و فشار بی‌مورد در این امر پرهیز نمود.

### اصل آگاهی بخشی

آموزش مبتنی بر بصیرت و آگاهی دانش‌آموز از اصول اساسی نظام آموزشی اسلام است. در منابع اسلامی، آیات و روایات فراوانی وجود دارد که علم و آگاهی را می‌ستایند و مردم را به سوی آن می‌خوانند و تشویق می‌کند و از جمود و تقلید کورکورانه و بدون تفکر و تعقل بر حذر داشته و به شدت نکوهش می‌نماید؛ مثلاً،

کریمه ۱۰۸ سوره «یوسف» می‌فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (۳۲) در این آیه، خداوند از

تأکید می‌کنند، بلکه برخی با تمایز بین مفهوم فهم و بصیرت با حفظ کردن و به خاطر سپردن، معتقدند فهم یا بصیرت پایه و اساس یادگیری را تشکیل می‌دهد. (۳۴) از دیدگاه شهید مطهری، هدف در تعلیم و



انسان‌ها می‌خواهد بر اساس بصیرت و آگاهی رفتار نمایند و دین حق را بپذیرند، و شیوه دعوت پیامبر ﷺ نیز بر اساس آگاهی است.

از این‌رو، در نظام آموزشی اسلام دیگر جایی برای تحمیل عقیده و القاءات و به تبع آن، تقلید کورکورانه باقی نمی‌ماند؛ چرا که اصولاً این مفاهیم با مفهوم پذیرش بر اساس بصیرت و آگاهی، به هیچ وجه سازگار نیست. در برخی از روایات نیز بر این نکته تأکید شده که آموزش اگر بر اساس فهم و آگاهی نباشد، چندان سودمند و پایدار نخواهد بود.

روایت علوی زیر نمونه‌ای از این روایات است: «أَلَا لَأَخِيْزُ فِي عِلْمٍ لَيْسَ فِيهِ تَفْهِيْمٌ، أَلَا لَأَخِيْزُ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهِ تَدَبُّرٌ...» (۳۳) هان! بدانید دانشی که بر اساس اندیشه و آگاهی فراگرفته نشود، خیری ندارد، و یادگیری که در آن تدبیر نباشد نیز خیری نخواهد داشت.»

همان‌گونه که پیروان نظریه گشتالت، یادگیری را عبارت از کسب بینش دانسته و عقیده دارند اگر دانش آموز آنچه را که در مدرسه می‌آموزد واقعاً بفهمد و نسبت به آن بصیرت حاصل کند به آسانی می‌تواند به موقعیت‌های جدید انتقال دهد، صاحب‌نظران تعلیم و تربیت اسلامی نیز به آموزش بر اساس فهم و آگاهی بخشی

تربیت اسلامی باید دادن رشد فکری به دانش آموز باشد. (۳۵) از دیدگاه برخی دیگر، رشد و تعالی کودک در فرآیند آموزش و پرورش به عمق و معرفت درونی وابسته است نه افزایش حجم اطلاعات. (۳۶)

بنابراین، آنچه باید در جریان آموزش مفاهیم دینی به کودکان، مورد توجه معلمان قرار گیرد، تأکید بر درک و آگاهی مفاهیم است، ضمن این‌که حفظ و تکرار و تلقین شرط لازم آموزش در سنین کودکی است ولی کافی نیست. این حقیقت را می‌توان در کلام امیرالمؤمنین علی عليه السلام یافت که می‌فرماید: «فَضْلُ فِكْرٍ وَ تَفْهِيْمٍ اَنْجَحُ مِنْ فَضْلِ تِكْرَارٍ وَ دِرَاسَةِ» (۳۷) یادگیری‌ای که بر اساس تفکر و فعالیت فکری دانش‌آموز باشد، به مراتب سودمندتر از تکرار و مرور آن است.»

### اصل تفاوت‌های فردی

تفاوت‌های فردی از اصول پذیرفته شده در روان‌شناسی، تعلیم و تربیت و معارف دینی است، و به این معناست که همه انسان‌ها با یکدیگر شباهت‌هایی دارند، ولی آنان از حیث ویژگی‌های شناختی، عاطفی، انگیزشی، بهره هوشی، تأثیر و تأثرات محیطی و صفات شخصیتی از همدیگر متفاوتند. همین امر موجب می‌شود که هر انسانی، موجود مستقل، تام و فردی خاص

باشد. به همین دلیل، یکی از عمده‌ترین مسائل روان‌شناسی، مسأله تفاوت‌های فردی و عوامل آن‌ها می‌باشد و حتی برخی از روان‌شناسان می‌گویند: «روان‌شناسی غیر از تفاوت‌های فردی موضوع دیگری برای بحث ندارد.» (۳۸) بر این اساس؛ اصل تفاوت‌های فردی از دیدگاه دانشمندان تعلیم و تربیت نیز مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، شهید ثانی بر این اعتقاد است که معلم باید با هر یک از دانش‌آموزان با توجه به میزان فهم و استعداد آنان سخن گوید، و مورد خطاب قرار دهد. (۳۹) خواجه نصیرالدین طوسی

ترجیح می‌دهد که معلم باید پیش از هر اقدام آموزشی، استعداد و قابلیت‌های کودک را با دقت و فراست شناسایی و آن‌گاه علوم و صنایع متناسب را به او بیاموزد. (۴۰) مرحوم محمدتقی جعفری، معلم و دانش‌آموزان را به باغبان و گل‌ها و درختان یک باغ تشبیه می‌کند که هر یک از درختان و گل‌ها، ویژگی‌ها و نیازهای متفاوتی دارند. نیاز هر کدام به آب و هوا و نور و کود متفاوت می‌باشد. این باغبان است که باید با دقت کامل نیاز هر یک از آنان را بشناسد، به مقدار لازم آن‌ها را آبیاری نموده، و در معرض نور و هوا قرار دهد. معلم نیز باید ویژگی‌های شناختی و عاطفی هر یک از دانش‌آموزان را بشناسد تا بتواند متناسب با آن‌ها رفتار خاصی در پیش گیرد. (۴۱)

خلاصه آن‌که، توجه به تفاوت‌های فردی در آموزش یکی از اصولی است که معلم باید با آن آشنا باشد و آموزش خود را با آن همگام سازد؛ زیرا «اهمیت دادن به تفاوت‌های فردی در آموزش، اثربخشی آموزشی را بیمه می‌کند.» (۴۲) بر این اساس، رعایت تفاوت‌های فردی در آموزش مفاهیم دینی کودکان دبستانی از اهمیت زیادی برخوردار است، به ویژه در انتخاب و استفاده از روش‌های آموزشی، معلمان باید انعطاف بیش تری داشته باشند

و در آموزش مفاهیم دینی به کودکان به طور یکسان عمل ننمایند، بلکه متناسب با ویژگی‌های شناختی، عاطفی، انگیزشی، سوابق خانوادگی و محیطی آنان، از روش‌های گوناگون و مؤثر استفاده نمایند. به عنوان نمونه، معلمان می‌بایست بدانند برای برخی از کودکان، آموزش مفاهیم دینی با استفاده از روش شعر و داستان سودمند است و برای برخی از راه پرسش و پاسخ. برخی مفاهیم دینی را زودتر می‌فهمند و برخی دیگر نیاز به مثال و توضیح بیش تری دارند.

### روش‌های آموزش مفاهیم دینی

مقصود از روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان، فنون، شیوه‌ها و دستورالعمل‌های جزئی است که اهداف و اصول آموزش مفاهیم دینی را به ثمر می‌رساند و به آن‌ها عینیت می‌بخشد. در واقع، بخش کاربردی فرایند آموزش مفاهیم دینی، شیوه‌ها و روش‌های آن است. به عبارتی، مهم‌ترین و دشوارترین مرحله از فرایند آموزش، تعیین و تشخیص روش‌های آموزش مفاهیم دینی و استفاده به کارگیری صحیح و مناسب آن، به ویژه برای کودکان می‌باشد. از این‌رو، در این بخش، با توجه به ویژگی‌های شناختی، عاطفی و انگیزشی کودکان دبستانی، به بررسی این روش‌ها خواهیم پرداخت.

### روش استفاده از مثال

یکی از روش‌های مهم و مؤثر در آموزش مفاهیم دینی به کودکان دبستانی، استفاده از مثال است. استفاده از مثال‌های متنوع، فهم مسائل انتزاعی را برای دانش‌آموزانی که از نظر رشد شناختی و تحول روانی ضعیف و یا در سطح پایینی می‌باشند، آسان می‌کند. به عبارتی، در بیان مطالب علمی و عقلی، استفاده از مثال بهترین روش برای هر چه بیش‌تر آشکار ساختن مطالب، تفهیم ساده‌تر و در نتیجه، درک

بهتر و سریع‌تر آن‌هاست. از این‌رو، استفاده از مثال یک شیوه قرآنی است. قرآن کریم با استفاده از این روش، حقایق و مفاهیم عقلی و غیر محسوس را در قالب حکایات و مثال‌های سودمند، به گونه‌ای در ذهن مخاطب ملموس و مجسم می‌سازد تا به این ترتیب ماهیت امر برای مردم روشن و آشکار گردد و آنان به خوبی به حقیقت موضوع پی ببرند. (۴۳) پیامبر مکرّم اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز در بسیاری از موارد برای القا و تفهیم آموزه‌های عالی دینی و تبیین مطالب عقلی، از مثال آوری بهره برده‌اند. (۴۴)

اگرچه اعتقاد به خدا و دین در کودکان فطری است و نیازی به اثبات ندارد، اما حتی در کودکی نباید از تقویت زیربنای اعتقادی غافل ماند، و در سنین دبستان می‌توان آن‌ها را به زبانی ساده مطرح کرد. بنابراین، استفاده از مثال یکی از روش‌های مناسب در آموزش مفاهیم دینی و اصول اعتقادی به کودکان است؛ زیرا گاه می‌توان با ذکر یک مثال مناسب و هماهنگ با مقصود، مطلب و مفهوم عمیق دینی را آسان و برای کودکان قابل فهم و درک نمود. از این‌رو، مربیان و معلمان می‌توانند با استفاده از این روش مفاهیم اعتقادی اسلام را در پرتو مثال‌هایی ساده و محسوس و ملموس در حد توان کودکان برای آنان آموزش دهند.

### روش قصه‌گویی

زبان قصه یا داستان یکی از مناسب‌ترین روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان است؛ زیرا کودکان شیفته شنیدن قصه و خواندن داستان می‌باشند و این سبب می‌شود تا بخش عمده تعلیم و تربیت دینی کودکان از این راه انجام پذیرد. هرچه استفاده از داستان‌های مناسب بیش‌تر باشد، تأثیر این آموزش و رسیدن به هدف‌های مورد نظر آن، ساده‌تر و سریع‌تر صورت می‌گیرد. در اهمیت این روش و

بهره‌گیری از آن، همین بس که در قرآن کریم و تعالیم انبیای الهی و کتاب‌های آسمانی هم این روش مؤثر، یعنی زبان داستان و قصه برای آموزش، هدایت، القای مفاهیم و پیام‌های دینی مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم بسیاری از مفاهیم، حقایق و آموزه‌های دینی را در قالب بهترین قصه‌ها، به زبانی ساده، جذاب و قابل فهم برای مردم بیان نموده است. مثلاً در داستان حضرت آدم و حضرت عیسی علیهما السلام حقیقت و چگونگی آفرینش الهی تفسیر می‌شود؛ در داستان حضرت ابراهیم علیهما السلام اثبات توحید و یگانگی خداوند و در داستان عزیر کیفیت معاد بیان گردید است.

از آن‌جا که قصه و داستان آموزه‌ها و حقایق آموزشی را به طور غیر مستقیم بیان می‌دارد، از نظر روان‌شناسی تربیتی نیز یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین روش‌های آموزشی به حساب می‌آید. بنابراین، معلمان در آموزش مفاهیم دینی به کودکان می‌توانند با استفاده از این روش، مفاهیم اعتقادی دین اسلام، از قبیل مسأله توحید، نبوت، امامت و معاد را در صورت لزوم در قالب داستان‌های مناسب و با توجه به مقتضای سن و حالت روحی دانش‌آموزان دبستانی بیان کنند.

### روش یادآوری نعمت‌های الهی

خداوند متعال نعمت‌های مادی و معنوی فراوانی برای بشر آفریده است. به عبارتی، خداوند انسان را سرشار از نعمت‌های خویش نموده و همه نوع نعمت در اختیار او قرار داده است. در قرآن، نعمت‌های الهی بر دو گونه‌اند: نعمت‌های ظاهری و نعمت‌های باطنی؛ چنان‌که قرآن کریم در کریمه ۲۰ سوره «لقمان» می‌فرماید: «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» نعمت‌های آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است. در این‌که منظور از نعمت‌های «ظاهر» و «باطن» در

آیه چیست، مفسران بسیار سخن گفته‌اند. در احادیثی که از پیامبر مکرّم اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده است، نعمت ظاهری را رزق و آفرینش نیکو و توحید و نبوت و اسلام، و نعمت باطنی را ولایت و مسودت اهل بیت پیامبر ﷺ دانسته‌اند. (۴۵) از سوی دیگر، قرآن کریم در آیاتی چند به یادآوری نعمت‌های الهی سفارش نموده است. برای مثال، در کریمه ۳ سوره «فاطر» می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنْ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا هُوَ قَائِلٌ تُؤْفَكُونَ». (۴۶) همچنین یکی از روش‌های تربیتی پیامبران الهی، یادآوری نعمت‌های الهی می‌باشد تا به این وسیله گرایش انسان‌ها را به سوی صاحب نعمت برانگیزند و سپاس‌گزاری از نعمت‌دهنده راه، که از گرایش‌های ریشه‌دار و فطری انسان است، در آنان بیدار سازند. چنان‌که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ، وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ، لِيَشْكُرُوا نِعْمَتَهُ، وَيُذَكِّرُوا هُمْ نِعْمَتِي نِعْمَتِهِ». (۴۷)

از این رو، در دوره دبستان با توجه به تمایلات فطری و گرایش‌های ذاتی پاک و دست‌نخورده کودکان بهتر می‌توان از روش یادآوری نعمت‌های الهی در آموزش و تعمیق بینش الهی آنان استفاده کرد. یادآوری نعمت‌های خداوند می‌تواند به تقویت و تعمیق شناخت کودک در مسأله خداشناسی کمک کند تا بتواند ولی نعمت خود را بشناسد و وظایف خود را از قبیل شکرگزاری و ایمان به او، ایفا کند. با یادآوری نعمت‌های الهی می‌توان ذهن کودک را به خدای مهربان متوجه کرد و میل و گرایش او را نسبت به خدایی که همه چیز را آفریده و به همه کمک می‌کند، جلب نمود. بر این اساس، در تدریس و آموزش خداشناسی و معاد به کودکان، باید بیش‌تر بر محبت و عشق الهی به همه انسان‌ها و

بسه ویژه نیکوکاران و دادن پاداش و نعمت‌های بهشتی به آنان در روز قیامت تأکید کرد و آنان را نسبت به خدا و رحمت او امیدوار و علاقه‌مند ساخت و از بیان عذاب و رنج دوزخ، که زندگی پس از مرگ را به گونه‌ای وحشتناک و دهشت‌انگیز ترسیم نماید، خودداری کرد.

### روش نمایشی (نمادین)

منظور از نمایش، مجسم کردن و به صورت مشهود و محسوس درآوردن پیام‌ها و آموزه‌هاست. روش نمایشی یکی از روش‌های آموزشی است که دارای تأثیر فوق‌العاده‌ای می‌باشد و از راه آن می‌توان آموزه‌های دینی را در قالب‌های قابل مشاهده و به گونه‌ای روشن، آسان و محسوس به کودکان آموزش داد. نمایشی کردن مفاهیم عقلی و انتزاعی، به ویژه برای کودکان با توجه به غلبه برخورد حسّی آنان، موجب می‌شود که این‌گونه مطالب بهتر درک شود و یادگیری عمیق‌تری صورت پذیرد؛ معمولاً کودکان، خاطرات نمایشی را که در کودکی دیده‌اند، به شکل آگاهانه یا ناآگاهانه، تا آخر عمر در حافظه خود حفظ و نگهداری می‌کنند. اصولاً استفاده از روش نمایشی، و به صورت محسوس و مشهود در آوردن مفاهیم و مسائل آموزشی، از جمله روش‌هایی است که در قرآن کریم نیز فراوان مورد استفاده قرار گرفته است. قرآن کریم با استفاده از روش نمایشی توانسته است اصول اعتقادی را اثبات و برای عموم مردم قابل درک و فهم نماید. قرآن کریم هنگامی که - مثلاً - درصدد تقویت ایمان مخاطبان به زندگی پس از مرگ و مسأله معاد می‌باشد، به ارائه نمونه‌های مشابه حسّی و قابل مشاهده در این دنیا می‌پردازد؛ یکی از نمونه‌های عینی که قرآن مجید بارها به آن پرداخته و برای اثبات این امر در برابر چشم همگان به معرض نمایش قرار داده، زنده شدن مجدد گیاهان می‌باشد. (۴۸) علاوه بر

تعالیم وحی، معصومان علیهم السلام نیز در پاره‌ای از موارد برای محسوس و مجسم نمودن مفاهیم و حقایق دینی از روش نمایشی استفاده نموده‌اند. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در موارد متعددی، مانند آموزش نماز و حج از این روش استفاده نموده و به مردم می‌فرمودند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»؛ (۴۹) نماز بگزارید، آن‌گونه که می‌بینید من نماز می‌گزارم. در حدیثی آمده است که روزی عده‌ای از بزرگان یهود به مدینه آمدند و از حضرت علی علیه السلام در مورد خدا سؤالاتی نمودند؛ از جمله درباره معنی جمله «أَيْنَمَا تَوَلَّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ»؛ یعنی چطور ما به هر طرف رو کنیم، به طرف خدا هستیم؟ حضرت علی علیه السلام به ابن عباس دستور داد هیئتی آماده نموده و آتشی را برافروزند، آن‌گاه از آنان سؤال کرد: صورت آتش به کدام جهت است؟ گفتند: ما که برای شعله آتش صورتی نمی‌باییم؛ یعنی شعله آتش که پشت و رو ندارد، آن‌گاه حضرت فرمود: «كَذَلِكَ رَبِّي أَيْنَمَا تَوَلَّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ»؛ یعنی همان‌گونه که شعله پشت و رو ندارد و شما در هر طرف آن باشید، روبه روی آن هستید، خدا نیز پشت و رو ندارد. (۵۰)

بنابراین، طبیعی است که جنبه آموزشی روش نمایشی مؤثرتر و پرجاذبه‌تر از روش گفتاری صرف است؛ چرا که روش نمایشی همزمان گوش و چشم مخاطب را به کار می‌گیرد. از این رو، در آموزش مفاهیم دینی کودکان لازم است تا آن‌جا که امکان دارد مواد و مطالب آموزشی به صورت نمایشی ارائه گردد. آموزش بسیاری از مفاهیم دینی اعم از اصول و مبانی ارزشی، اعتقادی و احکام عملی با استفاده از روش نمایشی قابل آموزش پذیر است. مثلاً، در ارتباط با خداشناسی، معلم می‌تواند دانش‌آموزان را به نزدیک ساختمان‌هایی که عده‌ای مشغول ساخت و تکمیل آن هستند ببرد تا آنان با مشاهده زحمات و تلاش‌های فراوانی که برای بنای آن



صورت می‌گیرد به این نتیجه برسند که ساختمان‌ی به این کوچکی و بساطت نیازمند سازنده‌ای است، پس این زمین و آسمان‌ها و دیگر مخلوقات عالم که بسیار عظیم‌تر و شکوهمندتر می‌باشند، محتاج خالق‌ی آگاه و توانا است.

اضافه نمودن مطلبی بیرون از وجود کودک نیستیم، بلکه غرض از آموزش اعطای بینش و آگاهی، یا به عبارتی، رشد و شکوفاسازی اموری است که در سرشت کودک نهاده شده و فطری اوست. به همین دلیل، در آموزش و انتقال مفاهیم و

امروزی به مراسم و آیین‌های مذهبی باز می‌گردد. به دلیل آن‌که کودکان دبستانی ظرفیت درک و دریافت حقایق انتزاعی را ندارند، از این رو، با استفاده از روش نمایشی می‌توان آموزه‌های دینی را در قالب‌های قابل مشاهده و به گونه‌ای روشن، آسان و



### جمع‌بندی و دستاوردها

از آن‌جا این پژوهش در دو بخش «اصول» و «روش‌های آموزش» مفاهیم دینی به کودکان دبستانی می‌باشد، به دستاوردهای هر بخش جداگانه اشاره می‌کنیم. به نظر می‌رسد در میان اصول مطرح شده، آنچه بسیار مهم می‌باشد، اصل آگاهی بخشی در آموزش مفاهیم دینی است. در دیدگاه اسلام، اعتقاد بر این است که مجموعه مفاهیم و آموزه‌های اعتقادی، اموری هستند که با سرشت اولیه و دست‌نخورده کودک و به تعبیر قرآنی، با فطرت او سازگارند. چنان‌که آیه ۳۰ سوره «روم» خود شاهدهی بر همین دست‌مایه‌های فطری است. فطری بودن مفاهیم اعتقادی حاکی از این است که پیش از هر نوع آموزشی، نوعی کشش به سمت دین، خدا و معاد در نهاد کودک وجود دارد که می‌تواند پرورش یابد و شکوفا شود. روایت نبوی «کل مولود یولد علی الفطرة»<sup>(۵۱)</sup> نیز بر همین امر دلالت دارد. بر این اساس، آموزش مفاهیم دینی به کودکان، علی‌رغم اعتقاد کسانی که آن را در سنین کودکی مناسب نمی‌دانند، ممکن و قابل اجراست؛ زیرا ما در آموزش مفاهیم دینی به کودکان هرگز به دنبال

آموزه‌های مبتنی بر فطرت، دیگر جایی برای خشونت و سخت‌گیری، تحمیل عقیده، القانات و به تبع آن، تقلید کورکورانه باقی نمی‌ماند؛ چرا که این مفاهیم با آموزش بر اساس فهم و آگاهی به هیچ وجه سازگار نیست. از این رو، مهم‌ترین اصلی که باید در جریان آموزش مفاهیم دینی به کودکان مورد توجه معلمان و مربیان قرار گیرد، اصل آگاهی بخشی است و اصول دیگر نیز با توجه به این اصل مهم و اساسی قابل اجرا می‌باشند. اما در میان روش‌های مطرح شده نیز، آنچه بسیار مهم می‌باشد، استفاده از روش نمایشی در آموزش مفاهیم دینی است. تجربه‌های آموزشی ثابت کرده است مفاهیم و آموزه‌هایی که با استفاده از روش نمایشی آموزش داده می‌شود، علاوه بر سهولت در یادگیری، از جهت کیفی نیز بهتر و پایدارتر است. استفاده از روش نمایشی از روزگاران پیشین در مراسم‌های دینی و اعتقادی نقش داشته و مانند زبانی مناسب برای بیان حالت و ویژگی‌های عاطفی و باورهای اعتقادی به کار رفته است. در جامعه و قبیله‌های ابتدایی، مراسم دینی بیش‌تر با استفاده از روش نمایشی بوده، تا آن‌جا که تاریخچه نمایش و تئاتر

محسوس به آنان آموزش داد.

### کدام روش کارآمدتر است؟

#### الف. پیشنهادهای نظری

۱. به دلیل آن‌که نظام آموزشی در دین اسلام دارای عناصر مهم و اساسی همچون میانی، اصول و روش‌های آموزشی است، این پژوهش تنها گام مقدماتی در ارائه اصول و روش‌های آموزش مفاهیم اعتقادی اسلام به کودکان دبستانی بود که مورد بررسی قرار گرفت. از این رو، پیشنهاد می‌شود میانی و اهداف نظام آموزشی در اسلام در پژوهشی جداگانه دنبال شود.

۲. در این پژوهش، اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان دوره دبستانی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. پیشنهاد می‌شود شبیه چنین پژوهشی در مقاطع مختلف تحصیلی (دوره راهنمایی و دبیرستان) نیز به عنوان مکمل انجام گیرد.

۳. انجام پژوهش‌های میدانی گسترده و در سطح وسیع با عنوان «بررسی توانایی‌های شناختی و عاطفی کودکان در آموزش اصول اعتقادی اسلام» می‌تواند موضوع پژوهش‌های دیگری قرار گیرد که کامل‌کننده این پژوهش باشد.

## ب. پیشنهاد‌های کاربردی

۱. به دلیل آن‌که در آموزش مفاهیم دینی به کودکان دوره ابتدایی، معلم نقش اصلی و اساسی دارد، معلمان دینی باید علاوه بر آگاهی صحیح از دین اسلام و التزام عملی به ارزش‌های اسلامی، با ویژگی‌های شناختی، عاطفی و انگیزشی کودک که موضوع روان‌شناسی رشد کودک است آشنا باشند تا بتوانند معارف اسلامی، به ویژه مفاهیم اعتقادی را به نحوی مؤثر به کودکان آموزش دهند.

۲. نظر به ویژگی‌های رشد روانی در این دوره، طرح جنبه‌های استدلالی معارف اعتقادی به کودکان دبستانی کار درستی نیست و شایسته است آموزگاران در آموزش مفاهیم دینی و اعتقادی بیش‌تر پی‌آمدهای دنیایی و آخرتی اعتقادات اسلامی را با استفاده از اصول و روش‌های آموزشی مناسب این دوره مورد توجه و گوشزد قرار دهند.

۳. از آن‌جا که دانش‌آموزان در دوره ابتدایی، (به ویژه در سال‌های اول) با امور حس شدنی و ملموس سر و کار دارند، پیشنهاد می‌شود معلمان دینی کودکان در تدریس و آموزش توحید، معاد و جلوه‌های نظم و هدف‌مندی طبیعت، از ابزارهای کمک آموزشی همچون عکس، اسلاید و فیلم‌های آموزشی استفاده نمایند.

۴. برای حفظ نشاط و شادابی کودکان در آموزش مفاهیم دینی، پیشنهاد می‌شود از شیوه‌های تشویقی متناسب با روحیه کودکان، بجای و بموقع استفاده شود و از برخورد‌های تند و خشن پرهیز گردد.

## پی‌نوشت‌ها

۱- برگرفته از: پایان‌نامه «اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان دبستانی» مقطع کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی، علی مقدسی‌پور، بهار ۱۳۸۱.

۲- قال علی رضی: «العلم من الصغر كالنقش في الحجر»؛ یادگیری و آموزش در خردسالی، بسان‌کنند نقش روی سنگ پایدار است. (محمدباقر مجلسی،

بحارالانوار، ج ۱، باب ۷، روایت ۱۳، ص ۲۲۴).

۳- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، باب ۱۱ - فی وصیته لکمیل بن زیاد النخعی، ص ۲۶۷.

۴- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، باب من عمل بغير علم، ج ۱، ص ۴۳.

۵- قال النبی: «انا معاشر الانبياء امرنا ان نكلم الناس علی قدر عقولهم» (کافی، ج ۱، روایه ۱۵، ص ۲۳).

۶- علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ماده اصل و فرهنگ معین، ماده اصل.

۷- علی شریعتمداری، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، ج چهارم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۱۱.

۸- خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج چهارم، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۶، ص ۶۴.

۹- لغت‌نامه دهخدا، ماده روش.

۱۰- لسان العرب و اقرب الموارد، ذیل ماده نهج.

۱۱- امان‌الله صفوی، کلیات روش و فنون تدریس، ج پنجم، تهران، انتشارات معاصر، ۱۳۷۴، ص ۲۲۸.

۱۲- فرهنگ معین، لغت‌نامه دهخدا، ماده آموزش.

۱۳- حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، پژوهش صفوان عدنان، الطبعة الاولى، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۶، ص ۵۸۰.

۱۴- علی‌نقی‌پور ظهیر، مبانی و اصول آموزش و پرورش، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۶، ص ۲۸.

۱۵- علی‌محمد کاردان و دیگران، فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، تهران، سمت، ۱۳۷۲، ص ۳۳۶.

۱۶- علی‌اکبر سیف، روان‌شناسی پرورشی، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۶، ص ۱۴.

۱۷- ناصر بی‌ریا و دیگران، روان‌شناسی رشد (۲)، ج اول، تهران، سمت، ۱۳۷۵، ص ۶۱۴.

۱۸- موریس دبس، مراحل تربیت، ترجمه علی‌محمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴، ص ۶۶.

۱۹- بحارالانوار، ج ۳، ص ۲۸۱.

۲۰- محمد محمدی ری‌شهری، العلم والحکمه فی الكتاب والسنة، قم، دارالحديث، ۱۳۷۶، حدیث ۱۳۱۱.

۲۱- همان، حدیث ۱۳۰۸.

۲۲- مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷، ص ۲۰۹.

۲۳- وسایل‌الشیعه، ج ۱۵، ابواب احکام الاولاد، باب ۸۶، ص ۱۹۹.

۲۴- سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ذیل آیه ۱۰۶ اسراء.

۲۵- وسایل‌الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۴-۱۹۳.

۲۶- میرعبدالحسین نقیب‌زاده، نگاهی به فلسفه آموزش پرورش، ج هفتم، تهران، طهوری، ۱۳۷۵، ص ۱۴۷.

۲۷- محمد غزالی، میزان‌العمل، ترجمه علی‌اکبر کسماپی، تهران، سروش، ۱۳۷۶، ص ۱۳۸.

۲۸- العلم والحکمه فی الكتاب والسنة، همان، حدیث ۷۸۰.

۲۹- همان، حدیث ۱۰۰۵.

۳۰- همان، حدیث ۱۶۵.

۳۱- وسایل‌الشیعه، ج ۱۵، ابواب احکام الاولاد، باب ۸۳، ص ۱۹۴.

۳۲- «بگو: این راه من است! من و پیروانم، با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم. منزله است خدا و من از مشرکان نیستم.»

۳۳- اصول کافی، ج ۱، روایه ۳، ص ۳۶.

۳۴- علی شریعتمداری، روان‌شناسی تربیتی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰، ص ۳۴۴-۳۴۵.

۳۵- مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، قم، صدرا، ۱۳۷۴، ص ۲۴.

۳۶- عبدالعظیم کریمی، کودک و مدرسه، تهران، تربیت، ۱۳۷۸، ص ۲۳.

۳۷- آمدی، غررالحکم، حدیث ۶۵۶۴.

۳۸- علی‌اکبر شعاری‌نژاد، روان‌شناسی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲، ص ۱۳۲.

۳۹- زین‌الدین بن علی عاملی، منبته المرید فی ادب المعقید و المستفید، قم، مکتب‌الاعلام‌الاسلامی، ۱۳۶۸، ص ۱۹۶.

۴۰- خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹، ص ۲۲۷.

۴۱- محمدتقی جعفری، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، جلد چهارم از دوره پانزده جلدی، تهران، انتشارات اسلامی، بی‌تا، ص ۴۴۲.

۴۲- محرم آقازاده و محمد احدیان، راهنمای روش‌های نوین تدریس، تهران، آبیژ، ۱۳۷۸، ص ۱۶۷.

۴۳- برای آشنایی ر.ک. به: تفسیر امثال القرآن، اسماعیل اسماعیلی، چاپ سوم، تهران، اسوه، جلد دوم و سوم، ۱۳۶۸.

۴۴- نگارنده، پایان‌نامه، ص ۷۲-۷۳.

۴۵- بهاء‌الدین خرمشاهی، دانش‌نامه قرآن و قرآن‌شناسی، ج دوم، تهران، دوستان و نااهید، ۱۳۷۷، ص ۲۲۴۷.

۴۶- «ای مردم به یاد آورید نعمت‌های خدا را بر شما؛ آیا آفریننده‌ای جز خدا هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ هیچ معبودی جز او نیست؛ با این حال چگونه به سوی باطل منحرف می‌شوید؟»

۴۷- نهج‌البلاغه، خطبه اول.

۴۸- برای آگاهی بیش‌تر در این زمینه به مضامین آیات: ق: ۱۱۹ / روم: ۵۰ و ۱۹ / حج: ۵ و ۶ / فصلت: ۳۹ / فاطر: ۹ / اعراف: ۵۷ توجه نمایید.

۴۹- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۲۷۶.

۵۰- حسن‌الدیلمی، ارشادالقلوب، المجلد الثانی، پژوهش سید هاشم میلانی، قم، دارالاسوه، ۱۳۷۵، ص ۱۷۵.

۵۱- محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۳، ص ۲۸۱.